

تاریخ در آینه آزادی

دیگ جوشانی که دیگر نمی‌جوشد

محسن ذاکری

خبرنگار

کمی بیش از نیم قرن از سال ۱۳۵۰ که ورزشگاه آزادی برای میزبانی از بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران ساخته شد، می‌گذرد. این مدت زمان عمر مفید برای یک سازه در شرایط نگهداری نامطلوب همانند ایران است و هر سازه‌ای حتی بهترین و مهندسی‌ترین سازه‌ها را به مرز بازسازی می‌رساند. درست مانند آنچه که این روزها ورزشگاه پیر آزادی با آن دست به گریبان است. پس از اتمام فصل گذشته فوتبال ایران مسئولان ورزشگاه اعلام کردند که عملیات بازسازی ورزشگاه فوتبال آغاز خواهد شد. از همان ابتدا مشخص بود که روند بازسازی ورزشگاه فوتبال

معتبری مانند جام ملت‌های آسیا، فینال لیگ قهرمانان آسیا، بازی‌های آسیایی و... بوده و امروز تمامی آن خاطرات به تلی از خاکستر بدل شده‌اند. مرور میزبانی‌های آزادی و گذشته باشکوهش می‌تواند بار دیگر جایگاه و اهمیت این میراث ملی را برای ما یادآوری کند. آنچه ظاهراً امروز نادیده گرفته شده.

بازی‌های آسیایی تهران

بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران اولین و مهمترین رویدادی است که در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شده است. تورنمنتی که اولین‌های بسیاری مانند اولین حضور چین در بازی‌های آسیایی پس از چند سال را تجربه می‌کرد و مسابقات فوتبال و دوومیدانی آن در استادیوم یکصد هراز نغری برگزار شد. در فوتبال تیم ایران قاطعانه



جام را بالای سر برد و در دوومیدانی دوندگان ایران از باغبانپاشی گرفته تا جلال کشمیری و تیمور غیائی مدال‌ها را درو کردند. غیائی در همین ورزشگاه و پیش چشم هواداران ایران و مقامات وقت توانست طلای پرش ارتفاع آسیا را رکوردشکنی کرده و به سینه بزند. آنچه مهمترین اتفاق دوومیدانی ایران و آسیا بود.

جام ملت‌های آسیا ۱۹۷۶

جام ملت‌های فوتبال آسیا در سال ۱۹۷۶ که سومین و آخرین قهرمانی تیم ملی فوتبال کشورمان در مهمترین تورنمنت فوتبال قاره آسیا را به ارمغان آورد، بسیاری از مسابقاتش را در این ورزشگاه برگزار کرد و آزادی در حقیقت ورزشگاه خانگی ایران و اصلی مسابقات بود. مهمترین مسابقه‌ای که از جام ملت‌های ۱۹۷۶ در ورزشگاه آزادی برگزار شده، به بازی فینال بازمی‌گردد. جایی که تیم ملی فوتبال کشورمان با بازیکنانی مانند علی پروین، ناصر حجازی، حسن روشن و... تحت هدایت حشمت مهاجرانی معمار فوتبال نوین ایران با گل علی پروین تیم ملی کویت یکی از مدعیان قاره را شکست دادند و جام قهرمانی فوتبال آسیا را در خانه نگه داشتند.

فینال جام برندگان آسیا

ورزشگاه آزادی تهران در تاریخ ۲ بار میزبان بازی نهایی جام برندگان آسیا بوده. اولین بار در سال ۱۹۹۱ میلادی که پرسپولیس که آن زمان بازیکنانی مانند فرشاد پیوس را در ترکیب خودش داشت، موفق شد با شکست یک بر صفر تیم المحرق بحرین در فینال با کاشته محمدحسن انصاری فرد به اولین قهرمانی خودش در این رقابت‌ها برسد. فرشاد پیوس مهاجم تلایی تاریخ سرخپوشان در آن رقابت‌ها با به ثمر رساندن ۸ گل به عنوان بهترین گلزن یا آقای گل مسابقات رسید. دومین میزبانی آزادی از فینال جام برندگان جام آسیا به سال ۱۹۹۳ بازمی‌گردد. جایی که باز هم پرسپولیس به فینال صعود کرده بود. سرخپوشان در این سال اما برعکس سال ۱۹۹۱ مقابل تیم فوتبال

بازمی‌گردد. جایی که استقلال در بازی رده‌بندی با نتیجه ۵ بر ۲ مقابل نسف قارشی از پاکستان به پیروزی رسید و مدال برنز را کسب کرد و در بازی فینال هم سوون سامسونگ آبیانگ ال‌جی کره‌جنوبی را در ضربات پنالتی شکست داد و به مقام قهرمانی رسید. سومین و آخرین میزبانی ورزشگاه آزادی از فینال لیگ قهرمانان فوتبال آسیا به پاییز سال ۲۰۱۸ میلادی بازمی‌گردد. جایی که شاگردان برانکو ایوانکوویچ از سمت غرب آسیا به فینال رسیده بودند و در بازی رفت هم با یک گل مقابل کاشیما آنتلرز ژاپن شکست خورده بودند. طبق اعلام کنفدراسیون فوتبال آسیا بازی برگشت به میزبانی ورزشگاه آزادی برگزار می‌شد. جایی که پرسپولیس مقابل دیدگان چند هزار نفر از هوادارانش هرچه زد، به در بسته خورد تا کاشیما آنتلرز تهران را با جام قهرمانی لیگ قهرمانان آسیا ترک کند.

رقابت‌های قهرمانی غرب آسیا

شاید رقابت‌های قهرمانی غرب آسیا به واسطه تیم‌های ضعیفی که در آن حضور دارند، برای هواداران فوتبال در کشورمان جذابیت چندانی نداشته باشد اما این ورزشگاه پرافتخار دو بار در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ میزبان این تورنمنت بوده است. دوره‌هایی که با قهرمانی تیم ملی کشورمان به پایان رسید و دو عنوان قهرمانی را به ویتترین افتخارات فوتبال ملی ایران اضافه کرد.

اولین صعود به جام جهانی

تیم ملی فوتبال ایران برای اولین بار در سال ۱۹۷۸ و با هدایت حشمت مهاجرانی به مهمترین تورنمنت فوتبال جهانی جهان صعود کرد. آن زمان تنها یک تیم از قاره آسیا به جام جهانی می‌رفت. تیم ملی ایران در یکی از مهمترین بازی‌هایش که حکم کلید صعود به جام جهانی را داشت، در ورزشگاه آزادی تهران میزبان تیم قدرتمند استرالیا که آن زمان بازیکنان سرشناسی در ترکیبش داشت، بود. مسابقه‌ای که به سود شاگردان مهاجرانی به پایان رسید تا پسران ایران اولین صعودشان در تاریخ به مهمترین تورنمنت فوتبال جهانی را در خانه و مقابل چشم هواداران‌شان جشن بگیرند. البته باید گفت تا به الان تیم ملی فوتبال کشورمان سه بار صعودش به جام جهانی فوتبال را در این ورزشگاه قطعی کرده. اتفاقی که در سال ۲۰۰۶، ۲۰۱۸، و ۲۰۲۲ رقم خورده است.

دیگر بازی مهمی که ورزشگاه آزادی میزبان آن بوده می‌توان به جدال تدارکاتی تیم ملی فوتبال ایران و آلمان همچنین بازی تدارکاتی پرسپولیس مقابل بایرن در اوایل دهه ۸۰ شمسی اشاره کرد.

تمام این اتفاقات ثابت می‌کند این ورزشگاه خاطرات بسیاری را در خودش جا داده است. خاطراتی که بی‌تردید با صدها بار بازسازی و کوهی از نخاله ساختمانی هم پاک نمی‌شوند. آزادی در حال حاضر یک بیمار است. بیماری که نیاز به درمان دارد. درمانی که طول آن نامشخص است.

قصه پرغصه ورزشگاه پیر

مجتبی حسین مرشدی

خبرنگار

بی‌تردید این تصویر غریب، وهم‌آلود و ناآشنا از استادیوم آزادی را شما هم دیده‌اید. حتماً در مواجهه اول، فکر کرده‌اید «اینکه دیگر آزادی نیست» اما واژه استادیوم آزادی روی بیلبوردها می‌خوبوتان کرده و شما را با تمام آنچه دیده یا شنیده بودید، رها ساخته.

برای کسانی که سرنوشت امجدیه پیر و نوستالژیک را دیده‌اند اما این تصویر از آزادی اصلاً غریب نیست.

دیده‌اند که امجدیه چطور تنها شده، ساکت شده و فقط برای تشییع جنازه سرگش می‌روند. خیلی‌ها دیده‌اند که امجدیه به چه روزی افتاده و حالا هم نوبت به آزادی رسیده.

برای ما ایرانی‌ها ورزشگاه آزادی قصه‌ای به قدمت نیم قرن دارد. از بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران که اولین و آخرین میزبانی‌اش بود، تا دربی‌های استقلال و پرسپولیس و فینال‌های آسیایی ۱۲۰ هزار نفری و سکو‌هایی که جای سوزن انداختن هم نداشته‌اند یک روزهایی.

حالا آن همه خاطره، آن همه فریاد، آن همه بغض، آن همه قصه و آن همه سرخوشی محض تبدیل شده به تلی از مخروبه به اسم بازسازی! ورزشگاهی که ریشه‌های حیات را به فوتبال ایران مانند قلبی خسته بمپاژ می‌کرد، حالا حتی از لخته خونی کوچک هم خالی شده؛ خالی‌اش کرده‌اند.

برای تو که در سرمای استخوان‌سوز بهمن‌ماه غرب تهران، یا در گرمای کشته‌ده عصرهای مردادماه با پرچم ایران، آبی یا قرمز روی سکوهای سیمانی طبقه دوم این بازمانده پیر نشسته بودی، این عکس دردی دارد عمیق، برای آنها مانده؛ برای کسانی که مسئولیت تیمار این پیرمرد را بدون ذره‌ای اهلیت برعهده گرفته‌اند، آزادی فقط یک واژه تھی از معناست.

نفس ورزشگاه قدیمی تهران به شماره افتاده، نبض جوان قیراق ۵۰ سال پیش دیگر نمی‌زند، قلب فوتبال ایران از حرکت ایستاده اما همه خودشان را زده‌اند به بی‌خیالی.

تو، به سایه بودی...

آیسان سعیدی

خبرنگار

از آن روزها زمان زیادی گذشته. تاریخی به قدمت نیم قرن. استادیومی که پس از یک سال پرماجرا این جمله بر سر در آن نقش بست: «با سرمایه ملت ایران در سال ۵۲ ساخته شد». سرمایه‌ای که در طول ۴ دهه آن را به هیچ انگاشته‌اند و تنها از آن استفاده کرده‌اند. مثل گاوی که تنها آن را دوشیده‌اند اما از آن موجود تنومند و تناور امروز تنها اسکلتی باقی مانده. پوست و استخوان، تلی خاک و مخروبه. تصاویری دردناک و غم‌انگیز که به راستی حسرت‌تبار و دردناک است. اینکه بینی تمامی خاطرات باشکوه دوران جلال و جبروت زیر تلی از خاک و سیمان و آجر مدفون شده. خطراتی که بخشی از تاریخ باشکوه یک ملت به شمار می‌روند اما حالا کسی آنها را به یاد نمی‌آورد. بهانه، بازسازی این گول دوست‌داشتنی است اما این بازسازی مثل هر پروژه دیگری انتها ندارد. تاریخ پایان آن مشخص نیست و هیچ مختصاتی از بازسازی آن ارانه نشده. هیچ‌کس نمی‌داند که در پروژه بازسازی، آزادی قرار است چگونه باشد. قرار است سر و شکل جدید آن چگونه تغییر کند و آیا آزادی جدید بعد از بازسازی شباهتی با آزادی نوستالژیک سابق خواهد داشت؟ مهمتر از آن اینکه آیا در این پروژه همان‌های مهندسی و ایمنی رعایت شده و قرار است استادیومی مطابق بر استانداردهای روز داشته باشیم؟

در میانه این پرسش‌های بی‌جواب اما تماشای تصاویر مخیره شده از آزادی حسی توأم با افسوس و غین دارد. اینکه در دل یک ورزشگاه مخروبه چگونه بازی فوتبال برگزار می‌شود و مجبوریم تصاویر زشت و تلخ از سکوها رؤیت کنیم، از جمله عجایبی است که تنها در ایران رخ می‌دهد. تصاویری که ظاهراً قرار است هفته‌ها و ماه‌های متوالی آن را تحمل کنیم.

آزادی امروز سایه‌ای از یک خاطره باشکوه و یک گذشته پر عظمت است. سایه‌ای که هیچ شباهتی با آن روزها ندارد.

